

روایت «مشعل» از کمبودهای واحد مددکاری اجتماعی شرکت ملی صنایع پتروشیمی

# اتاق گفتوگو

## مددچونداریم



یکی از مجموعه‌های کمتر شناخته شده و رساله‌ای در میان امروز مجموعه‌های صنعت نفت و صنعت اجتماعی کار و مددکاری اجتماعی هستند که به‌طور مستقیم در کار و معاش کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌گردد. نقش بی‌بدیل در حمایت از کارکنان هنگام حوادث و بروز مشکل دارند. این واحدها بخش قابل توجهی از اهداف هر تربیت با مدیریت منابع انسانی در محیط کار را به‌منظور دستیابی به حداکثر کارایی و ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار به عهده دارد. واحد روابط کار و مددکاران اجتماعی شرکت ملی صنایع پتروشیمی با کارکنان کارفرما با مسئولان در تنظیم کنندگی و برپایی یا برپا کردن رویدادها، کارکنان تلاش کنند. حوزه عملکرد و فعالیت این واحد به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های پر تغییر در سال‌های گذشته متناسب با نوع عملکرد شرکت ملی صنایع پتروشیمی و متنوع بوده است. نیروهای مددکار اجتماعی و روابط کار هم در دوره‌های بسیاری دارند که شاید در این سال‌ها کمتر به آنها پرداخته شده‌است. واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، یکی از این واحدها و کوچک و محدود شده پس از خصوصی سازی است که در حال حاضر تنها واحد ستادی این مجموعه را پوشش می‌دهد. سایر شرکت‌های پتروشیمی هر کدام واحدهای مستقل روابط کار و مددکاری اجتماعی دارند که با عیاش بهاری نسیب، رییس روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی صنایع پتروشیمی و حسین امین‌زاده، رییس واحد مددکاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی و تنها مددکاران این شرکت به‌عنوان افرادی که در این سال‌ها توان این مسئولیت‌ها و دانه صحبت کردیم و آنان از شرایط کاری و محدودیت‌های وجودی و به نفع مددجویانشان حرف زدند.

بهاری نسیب علوم اداری خوانده، در سال ۶۸ که وارد پتروشیمی شده، پایان شغل فعین شد. استادی او در پارس‌سپاس ابتدایی این فعالیت در دهه ۷۰ که ۱۰۰ نفر جوان طلایی کارکنان پتروشیمی است. گویند در آن سال‌ها در پی نام «پهن‌سند» است که به مجموعه‌ای گفته شد که مددکاران کار و پتروشیمی را بیشتر به یاد می‌آید. در سال‌های اول بیشتر عنوان روابط کار داشتیم که کارمندان هم محدود به کشیک کارکنان و حوادث واقع شده است. مگر به مصدومیت فوت کارکنان بوده‌است اما از آن زمان به بعد به‌طور تخصصی و علمی وارد حوزه مددکاری اجتماعی شدیم و واقعیت این است که اول از همه نگاه خودمان به مددکاری و فعالیت‌های پیشین تغییر کرد. فعالیت‌های کارکنان تنها یک‌گانه نبود. در دوره‌های بعد باقی‌مانده دیگری به‌یاد می‌آید. مشکلات مددجویان را مشکلات سازمان پتروشیمی و فعالیت‌های هندسی پتروشیمی است. پتروشیمی به‌سختی و تغییرات کارهای روزمره‌ای مخصوصاً در پتروشیمی به‌سختی تغییرات را واحد ما به‌سرعت و به‌دقت دنبال می‌کند. به‌سختی تغییرات پتروشیمی محدود شد و تقریباً از ۱۲ نفر به ۲ نفر رسید. در حال حاضر هم فضای مناسبی برای رسیدگی به امور مددجویان و شرایط کاری خودمان و فضای مشاوره برای حرف زدن با مددجویان نداریم. پتروشیمی هم‌اکنون از نظر تعداد و تنوع خدمات و تلاش برای زبانی می‌کند. فضای کار هم کارکنان همان کشور است. اما در مددجویان حفظ خود، اما بالاخره این شرایط، شرایط انسانی برای مشاورین و دست‌اندرکاران می‌شوند و به‌سختی این امنیت اطلاعات را ثابت می‌کنیم و به‌سختی است. مددجویان احساس امنیت نداشته‌اند و با توجه به کمبود نیروی نسیب و مرصعه‌ها می‌کنند. پتروشیمی نسیب می‌گویند درست است که کار به بخش خصوصی واگذار و حجم



کار کمتر شده است، اما در همین یک ساختمان، مشکلات بسیاری داریم و گاهی مشکلات بخشهای دیگر به ما سرریز می‌شود. همه شرکت‌های زیرمجموعه که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، زیرمجموعه‌های کوچک هستند. مسئولان مجزی برای روابط کار و مددکاری اجتماعی دارند. این جایگاه در همه جا دیده گرفته نشده و در بسیاری از موارد افرادی که مددکار نیستند، اما در آن موقعیت قرار گرفته‌اند یا مددکار آن واحد هستند. برای ارائه خدمات بسته‌است. حسین امین‌زاده هم به برخی جزئیات امری از عملکرد این مجموعه وارد می‌شود و می‌گوید، سالانه بیش از ۲۵۰ نفر در ۶۴ صندوق مختلف پوشش مستقیم می‌دهیم و برخی بخش‌های مختلف پوشش مستقیم هم در مورد کار و اکتیسور پزشکی تأیید و به‌سختی ما معرفی می‌کنند. مشخصات برای حفظ اطلاعات افراد در قالب یک شماره و کد شناسایی اعلام می‌شود و مابقی را در نظر می‌گیرند که البته این مبلغ حمایتی بسیار کم و ضعیف‌است. او با بیان اینکه در واحدهای فعال مورد حمایتی بیماری‌های سرطانی ندارند، افزود: در بخش بیماری‌ها مثل سرطان، بخش‌های کارکنان سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت انجام می‌دهد و ورود ما جهت حمایت روحی و روانی است و با توجه به شرایط بیماری و خانواده فرد و گزارش به هیأت مدیره و شرکت کمک‌هایی به صورت مابلا عرض صورت می‌گیرد.

### حذف بودجه تنخواه دستمان را بست

بهاری نسیب علاوه جنتی به صحبت در باره بودجه محدودشان نثار می‌گویند. فضای کار هم حدود ۲۵۰ میلیون تومان است، شامل هزینه‌های جاری و نیازهای داخلی این مجموعه و سایر برنامه‌های می‌شود. اما ساله‌ها مبلغی بود که به عنوان تنخواه در اختیار داشتیم که برای مواردی خاص در حیطه مددکاری هزینه می‌کردیم. اما از سال گذشته این تنخواه حذف شده و دستمان را بسته‌است. ما در مورد مختلفی حتی عیادت بیماران



و همکاران باید از جیب خودمان خرج کنیم. او با بیان اینکه ارتباط با مددجو یک ارتباط انسانی، اما برای بسیاری از کد مددکاری چارچوب و قالب به‌یاد می‌آید و وظایف مددکار با توجه به بخش روابط کار و مددجو تغییر می‌کند و مانده شرایطی بخصوص برای کمک‌های بیشتر کشمان هستیم. باید با این شرایط کنار نیاییم. حتی اگر فشارهایی تند و خشن از سوی مددجو یا خانواده آنها ببینیم. او به یکی از نمونه‌های مددکاری که به‌موقع شناسایی و حمایت تلفظ شده، اشاره کرد و گفت: یکی از نیروهای کارکنان خورشید پتروشیمی، بندر انار هم مرور در اثر بیماری دچار اختلال روانی شده بود و کار افتادگی و اضطراب و یون ناشی از اختلال روانی خود را تجربه کرده بودند. او با بیان اینکه کارکنان، بازخیره شده بود. در ادامه این مورد به‌سختی فرد در شرایطی آرام، با توجه به صحبت کردیم و متخصصین و سلسله به کار زبان انگلیسی است. با توجه به شرایط روحی او هم به‌سختی پرداخت می‌کرد. خود را دست می‌زد. در ادامه این فرد را به‌سختی به کمیسیون پزشکی معرفی کردیم. چرا که تا پیش از این گفته بودنتان، اقبال نمی‌کرد. اما تلاش کردیم تا این شخصیت را به‌سختی پس می‌گویند. در مورد دیگری در سفردار سلیمان افشاری رخ داد که چهار نفر مصدوم در ادامه سفر از حادثه فوت کردند. یک عضو مصدوم شیده‌است. همین این برای این خانواده‌ها تعیین کردیم که کار آنها در هم شکست خورد و اختلالی بین آنها و شرکت وجود دارد. مصدوم مددکاری در این مرحله بر این کم‌مقداران حذف شدند و مددکاران خانواده‌ها هم، سازمان کرد و نتوانستیم این اختلاف را حل کنیم و این خانواده‌ها را درگیر کردیم.

### بعد از خصوصی سازی وضعیت شدید

بهاری نسیب می‌گویند در این چند دهه مددکاران، نیازهای هم‌راه و کمک‌های واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی دیده‌اند، اما در

تشریحی خود داد که ۱۰ نفر از همکاران دچار حادثه و زخمی شدند که دو نفر از این عزیزان به علت سوختگی بالا در جا فوت شدند. چند نفر دیگر به معاش و اعوالت انتقال یافته و مددکارانند که چهار نفر آنها به علت وخامت سوختگی با معاشتی که عمل آمده با سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت معاش و پتروشیمی مجبور شده‌اند. به تهران انتقال دادیم و همه مشکل در این کمک رسانی نبود. اصولاً سوختگی‌های حویب انتقال این عزیزان در منطقه بود که بالا جیل به صورت زمینی و پایه عنوان مسافر در هواپیما می‌سفری در تهران انتقال داده‌شد و در بیمارستان شهید چمران بستری شدند. وی ادامه می‌دهد: درمان این عزیزان به علت سوختگی بالا چندین امپدول کشیده‌شد و دو نفر از آنها بعد از یک روز فوت کردند و دو نفر بعدی با توجه به نقایص خود، فوت و موقت مسوولین مقرر شد. خارج کشور اعزام شوند و بخشی از کارهای اعزام و واحد شرفیات شرکت انجام شد. در زمان صدور ویزا و دریافت گذرنامه با مشکل تشخیصی حویب این عزیزان مواجه شدیم چون چهره او در این فرآیند سوخته بود و گذرنامه بود و امکان شناسایی نبود. در این مرحله ما با راساس آشنایی که در دوره کارنامه داشتیم، هماهنگی‌های لازم ایجاد شد و قبول کردند با تأیید مابزرگ حویب این عزیزان این دو نفر اعزام نمایند. اما همین مسیر به علت مراحل طولانی شک یک نفر دیگر این عزیزان به علت درجه سوختگی بالا و مشکل تشخیصی فوت کردند و دو نفر دوم که درجه سوختگی آن زیاد نبود و به علت نبود اصولاً سوختگی حویب تجهیز کردن یک هواپیما و تیم مرگمی و برستاری به خارج از کشور اعزام و مددکار شد.

### اتاق مشاور برای مددجویان نداریم

این سال‌ها بعد از خصوصی‌سازی پتروشیمی و به‌خصوص در سال‌های گذشته، وضعیت مددکاران به یکی از پرهیزترین مسائل در مددکاری است. نگاه نسبت به مشکل مددکاران به یکی از راه‌های آن لحاظ مددجویان است که مکان مناسبی برای گفتگو با مددجویان نداریم. با توجه به این سوختگی‌ها و مشکلات خود را بازگو کنند و به‌یاد می‌آید. او با بیان اینکه مددکاران در هر موقعیتی که باشند، به‌سختی حرفت علی‌القاعده می‌کنند و با مشکلات در هر زمینه‌ای کمک می‌کنند. می‌پندم، می‌گویند کارکنان مددکاری، اغلب مددجو در شب تلفظ نلغون نمی‌تواند. با یک مددجو حرف‌های روزمره هستیم. با فردی که فعالیت‌های مساعی می‌دهند. او می‌گوید: در سال جاری از بین متخصصان پتروشیمی به خورشید هم‌عنوان پاسخ‌دهنده هستیم و به‌یاد می‌آید. در نظر من فعالیت‌های جدید، اما با فشارهای زیاد، به‌سختی می‌تواند پوشش‌های حوادث، بیماری از انواع و قوت و پوشش بدهد و ما شرمند مددجویان در ارتباط با فعالیت‌های آنها می‌شویم.

مورد دیگر، اقدام‌های نادر سرپرست‌های است که در ۷۱ نفر از تحت پوشش داریم، در بحث پیوند کمک هم، موارد ما که بخشی از کمک هزینه بودند. کلیه ارباب‌سازمات ما می‌دهیم و هزینه‌های دیگر با سازمان بهداشت و درمان است. او می‌افزاید: مبلغی که برای کمک به معلولین به عنوان مدد مالی است، برای مددکاران پتروشیمی و هم‌عنوان مددجویان، یک رقم است. اما در سال جاری از بین متخصصان پتروشیمی به خورشید هم‌عنوان پاسخ‌دهنده هستیم و به‌یاد می‌آید. در نظر من فعالیت‌های جدید، اما با فشارهای زیاد، به‌سختی می‌تواند پوشش‌های حوادث، بیماری از انواع و قوت و پوشش بدهد و ما شرمند مددجویان در ارتباط با فعالیت‌های آنها می‌شویم.



بهداری نسیب: مددکارها با توجه به محدودیت‌هایی که در حوزه کاری خودشان دارند یا محدودیت‌هایی که در حوزه قوانین و عملکرد مددکاری می‌شاید، سعی می‌کنند مشکل را به‌تنهایی برطرف کنند و نمی‌گذارند کارکنان روز زمین بماند. حتی در بسیاری از بخش‌ها و حوادثی که رخ می‌دهد، اصلاً مددکار را قبول ندارند و نمی‌گذارند کار خود را انجام دهد. اما معمولاً مددکار را می‌برود به حوزه کاری که لازم است یا حوصله پیدا می‌کند.

